

## بررسی دلالت امامت جماعت در مسجدالنبی بر جانشینی پیامبر ﷺ

رسول چگینی\*

### چکیده

از مهمترین ادله اهل سنت بر مشروعیت خلافت خلیفه اول، نماز ابوبکر در زمان بیماری رسول خدا ﷺ است. این دلیل بسیار مورد توجه اهل سنت قرار گرفته و آن را در زمره نخستین ادله روایی ذکر می کنند. در این گفتار با روش تحلیلی - توصیفی و با استناد به منابع حدیثی، کلامی و تاریخی اهل سنت، ماجرای نماز ابوبکر مورد کاوش علمی قرار می گیرد و نقدهای درونی و بیرونی این جریان بیان می شود. عدم وجود نص بر خلافت ابوبکر و عدم دلالت نیابت در نماز جماعت بر نیابت در خلافت از نقدهای بیرونی است که ناسازگاری این ماجرا با دیدگاه اهل سنت را به نمایش می گذارد. نقد درونی این جریان با طرح پرسشهایی ارائه می شود از قبیل چرایی تخلف و تعلل عایشه در برابر امر پیامبر ﷺ؛ چرایی حضور پیامبر ﷺ در نماز جماعت با وجود ناتوانی و ضعف شدید؛ چگونگی حکم اقامه شدن نماز توسط پیامبر ﷺ، و عدم قصد پیامبر ﷺ از نیابت نماز جماعت برای نیابت امامت جامعه که پذیرش این ماجرا را برای اهل سنت با چالش مواجه می سازد. جدای از اینکه پذیرش این ماجرا مستلزم اثبات مخالفت ابوبکر با دستور رسول خدا ﷺ و عدم صلاحیت او و عمر برای زمامداری جامعه است که لازم است باورمندان به آن، به لوازم این ماجرا نیز اعتقاد داشته باشند.

**واژگان کلیدی:** نماز ابوبکر؛ صلاة ابي بکر؛ خلافت؛ جانشین پیامبر ﷺ؛ جیش اسامه.

\*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (ع)؛ Rsl.chegini@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

## مقدمه

مهمترین اختلاف شکل گرفته در میان امت اسلامی، مسئله جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. اهل سنت بر این نظر هستند که جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله، ابوبکر بن ابی قحافه است که با بیعت حاضرین در سقیفه بنی ساعده به خلافت رسید و شیعیان عقیده دارند رسول الله صلی الله علیه و آله در طول حیات گهربار خویش، بارها بر جانشینی علی بن ابی طالب علیه السلام تأکید کرده‌اند، اما به دلیل کارشکنی تعدادی از صحابه، این دستور پیامبر صلی الله علیه و آله محقق نشد و پس از خلافت عثمان، حضرت علی علیه السلام با پافشاری مردم، خلافت را در دست گرفتند.

از زمان وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله تا به امروز، همواره پیروان هر دو مکتب، برای اثبات مشروعیت خلافت خلیفه مورد نظر خود، به ادله‌ای دست یازیده‌اند که دو تفاوت عمده میان این دو دسته از ادله شیعه و سنی وجود دارد:

تفاوت اول: امامیه از اثبات حقانیت خلافت حضرت علی علیه السلام، به دنبال اثبات عدم مشروعیت خلافت ابوبکر است ولی اهل سنت خلافت حضرت علی علیه السلام به عنوان خلیفه چهارم را پذیرفته و تنها جانشینی بلافصل علی بن ابی طالب علیه السلام را انکار می‌کنند. در حقیقت آنان شایستگی خلافت حضرت علی علیه السلام را پذیرفته‌اند و تنها در ترتیب آن اختلاف دارند اما امامیه صلاحیت ابوبکر برای امامت جامعه را زیر سؤال برده و این جایگاه را منصب ویژه‌ای می‌داند که جز خدا و رسولش کسی سزاوار تعیین خلیفه نیست.

تفاوت دوم: بیشتر اهل سنت بر این باور هستند که هیچ نصی از رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خلافت ابوبکر وجود ندارد و ادله نقلی که ذکر می‌کنند، بیانگر شایستگی ابوبکر برای خلافت است درحالی‌که امامیه عقیده دارند، نصوص فراوانی بر امامت بلافصل حضرت علی علیه السلام وجود دارد و شایستگی خلافت امری است که تنها در مقام احتجاج به آن استناد می‌کنند.

پس از ذکر این مقدمه، باید گفت یکی از مهمترین ادله مشروعیت خلافت ابوبکر، نماز ابوبکر در زمان بیماری رسول خدا صلی الله علیه و آله است. هدف اهل سنت از ارائه این دلیل، اثبات شایستگی ابوبکر برای زمامداری جامعه اسلامی است.

نوشته حاضر به بررسی این دلیل پرداخته و با استناد به منابع حدیثی، کلامی و تاریخی





اهل سنت، با روش تحلیلی - توصیفی و به شیوه نقد درونی و بیرونی، این دلیل را مورد ارزیابی قرار داده و میزان دلالت آن بر شایستگی ابوبکر بر خلافت را محک می‌زند. در ادامه بایسته‌های پذیرش این ماجرا را برای باورمندان به آن به تصویر می‌کشد.

اهمیت این دلیل از جانب اهل سنت، باعث شده که تاکنون مطالب فراوانی در نقد این دلیل از سوی علمای شیعه به رشته تحریر در آید و از قدیمی‌ترین کتب کلامی شیعه تا به امروز، همواره به نقد این دلیل پرداخته‌اند. شیخ مفید بخشی را در کتاب «الإفصاح فی إمامة أمير المؤمنين (علیه السلام)» به این موضوع اختصاص داده است (مفید، [بی‌تا]، ص ۲۰۱). یکی از موضوعاتی که سید مرتضی در «الشافی» و شیخ طوسی در «تلخیص الشافی» به آن اشاره کرده‌اند، موضوع «صلاة أبي بكر» است (شریف مرتضی، الشافی فی الامامة، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۱۰؛ طوسی، تلخیص الشافی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۲۹). کتاب «رسالة فی صلاة أبي بكر» که ترجمه فارسی آن با عنوان «چگونگی نماز ابوبکر به جای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)» منتشر شده، از اولین کتاب‌هایی است که به صورت مستقل این موضوع را بررسی کرده است (میلانی، چگونگی نماز ابوبکر به جای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، ۱۳۸۹، سراسر کتاب). در کتاب «الفصول المهمة فی صلاة أبي بكر فی مرض رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)» دیدگاه ۱۲ تن از علمای شیعه پیرامون این ماجرا به تفصیل ذکر شده است (ابومعاش، الفصول المهمة فی صلاة أبي بكر فی مرض رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، ۱۴۲۵ق، ص ۷). اما سوگمنده شاهد انتشار مقالات معدودی در این موضوع هستیم. نگارنده با جستجوی فراوان به هیچ مقاله علمی در حوزه زبان فارسی که این موضوع را به صورت مستقل مورد بررسی قرار داده باشد، دست نیافت. اگرچه برخی نوشته‌ها به صورت پراکنده به این مسئله اشاره کرده‌اند.

با این پیشینه، بر آن شدیم تا این مسئله را به صورت مستقل و با رعایت چارچوب‌های نهاده، برای نشر در مقالات علمی و به منظور دسترسی آسان مخاطبان، در ترازوی اعتبارسنجی وانهیم.

در این گفتار پس از بیان استناد اهل سنت به نماز ابوبکر برای اثبات شایستگی او برای خلافت، این دلیل را از زوایای مختلف درون متنی و برون متنی به چالش می‌کشیم.

## ۱. جایگاه «نماز ابوبکر» در منظومه اعتقادی اهل سنت

یکی از مهمترین ادله‌ای که از دیدگاه اهل سنت بر استخلاف ابوبکر از سوی رسول خدا ﷺ دلالت دارد، گزینش ابوبکر برای اقامه نماز جماعت توسط پیامبر اکرم ﷺ است. بر اساس این برداشت، پیامبر اکرم ﷺ در واپسین روزهای حیات خویش، ابوبکر را برای اقامه نماز جماعت به مسجد فرستادند و این دلالت بر شایستگی او برای تصدی امامت جامعه را دارد؛ زیرا آنان مدعی شده‌اند نیابت در امامت نماز جماعت، دلالت بر نیابت در امامت جامعه دارد (جرجانی، شرح المواقف، ۱۳۲۵ق، ج ۵، ص ۲۶۶). شمس الدین اصفهانی از متکلمان اهل سنت، پس از ذکر دو دلیل قرآنی، سومین دلیل خود بر خلافت ابوبکر را ماجرای نماز ابوبکر می‌داند:

«سوم: اینکه پیامبر خدا ﷺ ابوبکر را جانشین خود در نماز در ایام بیماری خود کرد و او را از این مقام عزل نکرد، پس بعد از وفات پیامبر ﷺ، ابوبکر جانشین پیامبر ﷺ در نماز باقی ماند و هنگامی که جانشینی او در نماز ثابت شود، جانشینی او در غیرنماز نیز ثابت می‌شود؛ زیرا هیچ کسی میان این دو جدایی قائل نیست» (اصفهانی، مطالع الأنظار شرح طوالع الأنوار، [بی‌تا]، ص ۲۳۲).

ابن حزم اندلسی نیز همین دلیل را برای اثبات شایستگی ابوبکر ارائه کرده و حتی جانشینی در نماز را مهمتر از جانشینی در اداره شهر در زمان جنگ‌ها می‌داند:

«پس می‌بینیم که پیامبر ﷺ ابوبکر را در حضور خود برای نماز تعیین کرد در طول زمان بیماری و همه بزرگان صحابه مانند علی و عمر و ابن مسعود و اُبی و غیر آنها حاضر بودند و این بر خلاف جانشینی پیامبر ﷺ در هنگام جنگ است زیرا جانشین پیامبر ﷺ در جنگ، تنها بر زنان و کسانی که عذر دارند، خلافت دارد، پس ضرورتاً باید بدانیم که ابوبکر اعلم مردم به نماز و احکام آن و اعلم مذکورین به نماز که ستون دین است، است» (ابن حزم، الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۱۰۸).

ابن تیمیه حرانی (ابن تیمیه، منهاج السنة النبویة، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۵۱۷) و فیروزآبادی (فیروزآبادی، الرد علی الرافضه او القضاة، ۱۴۲۸ق، ص ۳۵) نیز همین سخن را تکرار کرده‌اند.

برخی پا را فراتر گذاشته و مدعی شده‌اند نه تنها پیامبر ﷺ، ابوبکر را به امامت نماز جماعت تعیین کردند، بلکه خود حضرت نیز در نماز به ابوبکر اقتدا کردند! بنابراین دلالت ماجرای نماز ابوبکر بر صلاحیت جانشینی را صریح‌تر می‌دانند. درحالی‌که اقتداء پیامبر ﷺ به ابوبکر، از ادعاهای باطلی است که مورد انکار غالب علمای اهل سنت قرار گرفته و حتی ابوالفرج ابن جوزی، کتابی به نام «آفة اصحاب الحدیث» در رد این ادعا تألیف کرده و مدعی شده که اجماع فقها بر اقتداء ابوبکر به پیامبر ﷺ است و نه بالعکس (ابن الجوزی، آفة اصحاب الحدیث، [بی‌تا]، ص ۹۴).

## ۲. گزارش نماز ابوبکر در صحیح بخاری

اما ماجرای نماز ابوبکر در منابع زیادی نقل شده است. صحیح بخاری ده روایت پیرامون نماز ابوبکر نقل کرده است. کامل‌ترین نقل این ماجرا اینگونه است:

«احمد بن یونس، از زائده، از موسی بن ابی عایشه، از عبید الله بن عبد الله بن عتبّه نقل می‌کند که روزی نزد عایشه رفتم و گفتم: آیا از دوران بیماری رسول خدا ﷺ به من خبر می‌دهی؟ گفت: آری (هنگامی که بیماری پیامبر ﷺ شدّت یافت، فرمود: آیا مردم نماز خوانده‌اند؟ عرض کردیم: نه، آن‌ها منتظر شما هستند. فرمود: برایم مقداری آب در تشت آماده کنید. عایشه گوید: ما این کار را انجام دادیم، سپس پیامبر شست و شو کرد و نزدیک بود که به زمین بیفتد، پس همان لحظه بی‌هوش شد. پس از به هوش آمدن فرمود: آیا مردم نماز خوانده‌اند؟ عرض کردیم: نه ای رسول خدا! آن‌ها منتظر شما هستند. فرمود: برایم در تشت مقداری آب آماده کنید. آن‌گاه پیامبر نشست و غسل کرد، و نزدیک بود به زمین بیفتد و بی‌هوش شد پس از به هوش آمدن فرمود: آیا مردم نماز خوانده‌اند؟ عرض کردیم: نه ای رسول خدا! منتظر شما هستید، مردم نیز برای خواندن نماز عشاء، در مسجد، در انتظار پیامبر ﷺ به سر می‌بردند. پیامبر ﷺ شخصی را به دنبال ابوبکر فرستاد تا برای مردم نماز بخواند. آن شخص دنبال او رفت و گفت: رسول خدا ﷺ دستور داد که تو برای مردم نماز بخوانی.

ابوبکر که مردی رقیق‌القلب بود گفت: ای عمر! تو برای مردم نماز بخوان. عمر پاسخ داد: تو به این کار شایسته‌تری. در نتیجه آن روزها ابوبکر برای مردم نماز می‌خواند. پس از

مدتی پیامبر ﷺ در خود احساس سبکی و آرامش کرد و برای نماز ظهر درحالی که بین دو مرد - که یکی از آنها عباس بود - تکیه کرده بود از خانه خارج شد و ابوبکر برای مردم نماز می خواند. وقتی ابوبکر پیامبر را دید، خواست که عقب بایستد، پیامبر ﷺ به او اشاره کرد که عقب نرود. سپس به آن دو مرد فرمود: مرا کنار او بنشانید. آن ها پیامبر را کنار ابوبکر نشاندند. راوی گوید: ابوبکر نمازش را با اقتدا به پیامبر خواند و مردم نیز به ابوبکر اقتدا کرده بودند، درحالی که پیامبر ﷺ نشسته بود. عبیدالله گوید: من نزد عبداللّه بن عباس رفتم و به او گفتم: آیا مطالبی را که عایشه درباره بیماری پیامبر ﷺ به من گفت، به تو باز نگویم؟ گفت: بگو. من ماجرا را به او عرضه داشتم. او چیزی از آن مطالب را انکار نکرد، جز اینکه گفت: آیا عایشه نام مردی را که با عباس بود به تو گفت؟ گفتم: نه. گفت: آن شخص علی بود» (بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۸).

همانگونه که بیان شد، این ماجرا در احادیث دیگری در صحیح بخاری و دیگر منابع حدیثی و تاریخی اهل سنت نیز نقل شده است که به فراخور بحث، به بخش هایی از آنها اشاره خواهد شد.

### ۲. نقد بیرونی ماجرای نماز ابوبکر

نخست باید متذکر شد به منظور پرهیز از طولانی شدن نوشته و با توجه به اینکه حدیث نماز ابوبکر مورد پذیرش عموم اهل سنت قرار گرفته، از ارزیابی سندی روایات اجتناب کرده و به بررسی محتوای آنها می پردازیم. ناگفته نماند در کتاب «چگونگی نماز ابوبکر به جای رسول خدا ﷺ» تألیف آیت الله میلانی (حفظه الله) اسناد این روایات مورد بررسی قرار گرفته و ضعف بسیاری از این اسناد به اثبات رسیده است (میلانی، چگونگی نماز ابوبکر به جای رسول خدا ﷺ، ۱۳۸۹، ص ۵۵).

دیدگاه مزبور را در چند مقام مورد نقد قرار می دهیم. نخست این ادعا را پاسخ می دهیم که آیا رسول خدا ﷺ نصی بر خلافت ابوبکر بیان فرموده است؟ سپس دلالت نیابت در نماز جماعت بر نیابت در خلافت را بررسی می کنیم و در ادامه ابهامات موجود در ماجرای نماز ابوبکر را می شماریم که بر وجود گم شده ای در واقعیت ماجرا رهنمون می سازد.



پس از آن اغراض رسول الله ﷺ در تعیین امام جماعت را می‌کاویم. از دیگر نقدهای وارده بر ادعای شایستگی ابوبکر، اثبات مخالفت او با دستور صریح پیامبر ﷺ است که از خلال آن می‌توان به عدم صلاحیت ابوبکر و عمر برای جانشینی پی برد.

#### الف) عدم وجود نص بر خلافت ابوبکر

بر اساس باورهای اهل سنت، پیامبر خدا ﷺ هیچ کسی را به عنوان خلیفه تعیین نکرده است. در روایتی که بخاری و مسلم نقل کرده‌اند، عمر بن خطاب بر این مطلب تصریح کرده است: «به عمر گفته شد آیا برای خود جانشین تعیین می‌کنی؟ گفت: اگر جانشین تعیین کنم، پس ابوبکر که بهتر از من بود جانشین تعیین کرد و اگر این کار را ترک کنم، پس رسول الله ﷺ که بهتر از من بود نیز این عمل را ترک کرد» (بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۸۱؛ نیشابوری، صحیح مسلم، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۴۵۴).

با استناد به این روایت، علمای عامه تصریح کرده‌اند که اجماع اهل سنت بر عدم وجود نص بر امامت ابوبکر است. نووی شافعی می‌گوید: «در این حدیث دلیل است بر اینکه پیامبر ﷺ بر هیچ جانشینی تصریح نکردند و این اجماع اهل سنت و غیر آنها است» (نووی، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ۱۳۹۲ق، ج ۱۲، ص ۲۰۵).

البته این ادعا نادرست است و امامیه به عنوان بخش بزرگی از امت اسلامی بر این باور هستند که پیامبر ﷺ جانشین خود را معین کرده‌اند.

اهل سنت بر این باورند که هیچگونه نصی بر خلافت ابوبکر وجود ندارد (ابن کثیر، البداية و النهاية، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۷۰) و اگر حتی نصی خفی بر امامت ابوبکر وجود می‌داشت، صحابه نباید در این مسئله دچار اختلاف می‌شدند. ابویعلی الفراء حنبلی با استناد به همین دلیل، مشروعیت گزینش صحابه را اثبات می‌کند (ابویعلی، المعتمد فی اصول الدین، ۱۹۷۴م، ص ۲۲۶).

این دیدگاه اختصاص به علمای گذشته اهل سنت ندارد بلکه حتی در میان معاصران نیز، وجود نص بر خلافت ابوبکر نفی شده است. دمیجی از علمای معاصر عامه، ادعای وجود نص جلی یا خفی بر امامت ابوبکر را دشوار می‌داند و می‌گوید: «همانا اعتقاد اینکه امامت

ابوبکر با نص ثابت شده، استدلال برای آن دشوار است، زیرا اقوال پیامبر ﷺ و افعال ایشان که بر خلافت منصوص ابوبکر استدلال می‌کنند، این فایده صریح را ندارند، پس اینکه پیامبر ﷺ ابوبکر را برای نماز مقدم داشتند، نص بر خلافت او نیست، نه نص آشکار و نه نص مخفی» (دمیجی، الإمامة العظمی عند أهل السنة و الجماعة، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱۶).

#### ب) عدم دلالت نیابت در نماز جماعت بر نیابت در خلافت

به فرض صحیح بودن ماجرای امامت ابوبکر در نماز جماعت، نیابت در امامت نماز جماعت، دلیل بر نیابت در امامت جامعه نیست؛ زیرا پیامبر ﷺ افراد زیادی را در امور مختلف نائب خود قرار دادند که بر این اساس باید همه آنها را شایسته خلافت بدانیم. قرطبی تصریح کرده است که پیامبر ﷺ در هر جنگی که می‌رفتند شخصی از اصحاب را جانشین خود می‌کردند، از آن جمله ابن‌ام مکتوم و محمد بن مسلمه و غیر این دو از صحابه (قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۶۸).

نکته قابل توجه اینکه ابن تیمیه حرانی نیز به نیابت افراد زیادی اشاره می‌کند که در زمان حیات پیامبر ﷺ، جانشین ایشان بوده‌اند، اما هیچ استلزامی میان جانشینی پیامبر ﷺ در یک امر، با شایستگی آن شخص برای جانشینی در همه امور وجود ندارد؛ زیرا پیامبر ﷺ افراد زیادی را در زمامت حیات، جانشین خود کردند که برخی از آنها شایستگی خلافت بعد از وفات ایشان را ندارند (ابن تیمیه، منهاج السنة النبویة، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۳۳۹).

اشاره این افراد، به اصحابی است که در برهه‌هایی از زمان، مسئولیت جانشینی پیامبر ﷺ در مدینه یا در امور معینی بر عهده داشتند؛ برای نمونه «ابن‌ام مکتوم» (ابوداود و سجستانی، سنن أبی داود، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۶۲)، «سالم مولى أبی حذیفه» (بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۴۰)، «عبدالرحمن بن عوف» (ابن کثیر، البداية و النهایة، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۸) از افرادی بوده‌اند که توسط پیامبر ﷺ به‌عنوان امام جماعت تعیین شده‌اند، اگر تعیین امام جماعت، دلیل صلاحیت افراد برای امامت جامعه باشد، این افراد را باید در امامت جامعه سهیم دانست! به‌ویژه اینکه افرادی مانند ابن‌ام مکتوم ۱۳ مرتبه به نیابت از رسول الله ﷺ، نماز جماعت به جای آوردند (ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۴۹۵)، که با استدلال فوق، صلاحیت او از همگان بیشتر است!



افزون بر اینکه امامت جامعه امری اجتماعی است و نیازمند وجود شرائطی در افراد است که امامت نماز جماعت متوقف بر آن شرائط نیست، در نتیجه افرادی که نائب پیامبر ﷺ در امور اجتماعی و مدیریت جامعه بوده‌اند، لیاقت بیشتری به امامت جامعه دارند، درحالی‌که کسی قائل به اولویت امامت این افراد نشده است. برای نمونه می‌توان به عُمّال پیامبر ﷺ اشاره کرد که برای انجام مأموریت‌های گوناگون در مناطق مختلف برگزیده شده بودند و حتی برخی از آنان، هنگام وفات رسول الله ﷺ نیز در آن مسند باقی بودند. خلیفه بن خیاط شیبانی به حدود بیست نام از صحابه اشاره می‌کند که جانشین پیامبر ﷺ در انجام امور اجتماعی و مدیریتی جامعه بودند (العصفری، تاریخ خلیفه بن خیاط، ۱۳۹۷ق، ص ۹۶-۹۷). بنابراین می‌توان جانشینی پیامبر ﷺ در زمان حیات را دلیل بر شایستگی افراد برای منصب خلافت دانست.

#### ۴. نقد درونی ماجرای نماز ابوبکر

نقد درونی این ماجرا، با بازخوانی آن و طرح پرسشهایی که از محتوای این جریان فهمیده می‌شود، به دست می‌آید. ماجرای نماز ابوبکر دارای ابهامات زیادی است که نیابت ابوبکر از رسول خدا ﷺ را زیر سؤال می‌برد. برای نمونه به چند ابهام این ماجرا اشاره می‌کنیم:

##### الف) چرایی تعلل و تخلف عایشه در برابر امر پیامبر ﷺ

در یکی دیگر از نقلهای نماز ابوبکر در صحیح بخاری، این عبارت آمده است: «[عایشه] گفت: دوباره حرفم را تکرار کردم و در مرتبه سوم یا چهارم پیامبر ﷺ فرمود: شما همانند زنان مصر در زمان یوسف هستید، به ابوبکر بگویید نماز بخواند. پیامبر ﷺ با قامتی خمیده و درحالی‌که به دو نفر تکیه کرده بود از منزل خارج شد. گویی می‌دیدم که پاهایش بر زمین کشیده می‌شد» (بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۸). با توجه به این متن آیا می‌توان احتمال دیگری داد و آن اینکه امر رسول خدا ﷺ برای نماز به شخص دیگری همچون امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده ولی هر بار که حضرت امر می‌کرده، عایشه آن را به پدرش ابوبکر حواله می‌کرده تا اینکه حضرت ناراحت شده و آن جمله را خطاب به عایشه و حفصه می‌فرماید و خود نیز با ناراحتی و با آن حال ناخوش به مسجد می‌آیند و ابوبکر هم نماز را نمی‌تواند کامل کند؟!

قرینه و تایید برداشت فوق، برخی نقل‌های حدیث نماز ابوبکر است که پیش از دستور به اقامه نماز، رسول الله ﷺ، حضرت علی علیه السلام را فراخواندند اما عایشه و حفصه، هر یک پدران خود را دعوت کردند. در نهایت وقتی پیامبر خدا ﷺ سر بلند کرده و حضرت علی علیه السلام را ندیدند، از اجابت خواسته خویش ناامید شده و به ناچار سکوت اختیار کردند:

«هنگامی که رسول خدا ﷺ بیمار شد، همان بیماری که به سبب آن وفات یافت، آن حضرت در خانه عایشه بود. حضرتش فرمود: علی را برایم صدا کنید. عایشه گفت: برایتان ابوبکر را صدا بزنیم؟ فرمود: صدایش کنید. حفصه گفت: ای رسول خدا! برایتان عمر را صدا بزنیم؟ فرمود: صدایش کنید. أمّ فضل گفت: ای رسول خدا! عباس را برایتان صدا بزنیم؟ فرمود: صدایش کنید. هنگامی که همه آن‌ها جمع شدند، پیامبر خدا ﷺ سر مبارکش را بلند کرد و علی را ندید در نتیجه ساکت ماند. در این هنگام عمر گفت: رسول خدا ﷺ را ترک کنید» (شیبانی، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۳۵۷؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۹۱).

به‌ویژه اینکه قابل انکار نیست که عایشه میانه خوبی با امیرالمؤمنین علیه السلام نداشته و حتی از شنیدن خبر شهادت حضرت علی علیه السلام، اشعاری دال بر خوشحالی خواند (طبری، تاریخ الرسل والملوک، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۱۵۰؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۷۴۳)؛ در روایتی که در ابتدای بحث درباره نماز ابوبکر از صحیح بخاری نقل کردیم (بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۸)، عایشه حتی از ذکر نام امیرالمؤمنین علیه السلام اجتناب کرده، که شارحان روایت، علت آن را دل خوش نداشتن عایشه از حضرت علی علیه السلام تفسیر کرده‌اند (بدالدین عینی، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۱۹۲)؛ از این‌رو آیا این احتمال تقویت می‌شود که خواسته رسول خدا ﷺ نماز خواندن امیرالمؤمنین علیه السلام به نیابت از ایشان بوده، اما هر مرتبه که تکرار می‌کردند، دستور ایشان نادیده گرفته می‌شد تا اینکه حضرت جملات فوق را بیان کردند و عایشه و حفصه را مانند زنان پیرامون یوسف صدیق علیه السلام که تنها در فکر طمع و هوس‌های خود بودند، تشبیه کردند (بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۳).

### ب) جرایبی حضور پیامبر ﷺ در نماز جماعت

چرا با وجود اینکه رسول الله ﷺ حال مساعدی نداشتند، اما حاضر شدند به مشقت و سختی خود را به مسجد برسانند و نماز را خودشان به جای آورند؟! در صحیح بخاری نقل شده:

«رسول خدا ﷺ از منزل به طرف مسجد خارج شد درحالی که دو نفر زیر بغل‌های حضرت را گرفته و درحالی که پاهای حضرت از شدت بیماری به زمین کشیده می‌شد» (بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۳).

چه اتفاقی افتاد که رسول خدا ﷺ که به خاطر شدت بیماری و ضعف، توانائی حضور در مسجد را نداشته و امر می‌کند تا شخص دیگری به نیابت از ایشان، برای نماز حاضر شود، به محض اقامه نماز توسط ابوبکر، به کمک دو نفر که زیر بغل‌های آن حضرت را گرفته و پاهای حضرت به روی زمین کشیده می‌شود، خود را به سختی به مسجد رساندند و نماز را در حالت نشسته به جای آوردند:

«پس رسول خدا ﷺ آمد و در سمت راست ابوبکر نشستند، عایشه گفت: پس رسول الله ﷺ نشسته برای مردم نماز می‌گذارند و ابوبکر ایستاده» (نیشابوری، صحیح مسلم، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۱۳).

در صورت شایستگی ابوبکر برای امامت نماز جماعت، چرا حضرت خود را به مسجد رسانده و در حین برگزاری نماز جماعت، به او اقتدا نکرده و خودشان نماز را اقامه کردند؟

### ج) چگونگی حکم نماز خوانده شده

در روایاتی که ماجرای نماز ابوبکر را نقل کرده‌اند، به شیوه عجیبی از نماز جماعت اشاره می‌کند که هیچ سابقه‌ای نداشته و هرگز نیز تکرار نشده است. در این روایات آمده:

«پس رسول الله ﷺ نشسته با مردم نماز گذاردند و ابوبکر ایستاده بود، او به نماز پیامبر ﷺ اقتدا کرد و مردم به نماز ابوبکر اقتدا کردند» (نیشابوری، صحیح مسلم، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۱۳).

بر اساس روایات مزبور، در این نماز، امام جماعتی (ابوبکر) که به نماز ایستاده، با آمدن رسول خدا ﷺ قصد ترک مکان را داشته و می‌خواسته که در حین نماز از جای خود عقب



رفته تا آن حضرت به جای او به امامت بایستد، اما حضرت با اشاره به او می‌فهماند که در جای خود بماند و نماز را ادامه دهد؛ آن‌گاه حضرت آمده و در کنار ابوبکر می‌نشیند و نماز خود را شروع می‌کند و مردم که به همراه ابوبکر نماز را شروع کرده بودند، همچنان به نماز با او ادامه می‌دهند ولی ابوبکر به نماز پیامبر ﷺ اقتدا می‌کند!

آیا عجیب نیست درحالی‌که مردم از قبل به ابوبکر اقتدا کرده‌اند، با حضور پیامبر ﷺ و اقتدای ابوبکر به پیامبر ﷺ، اما همچنین نماز خود را به امامت ابوبکر ادامه می‌دهند! اگر تغییر امام جماعت در نماز جایز نیست، چرا ابوبکر این کار را کرد و اگر جایز است، چرا صحابه به حضرت اقتدا نکردند؟! اصلاً چرا پیامبر ﷺ به ابوبکر اقتدا نکرده و مستقلاً نماز را به جای آوردند، درحالی‌که بر اساس منابع اهل سنت، پیامبر ﷺ به افراد دیگری در نماز اقتدا کرده‌اند؟! آیا چنین نمازی در طول ۲۳ سال نبوت پیامبر ﷺ سابقه داشته است؟!

با توجه به اینکه پیامبر ﷺ نماز را از دنباله قرائت ابوبکر، ادامه داده‌اند (ابن‌ماجه، سنن ابن‌ماجه، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۹۱)، حکم نماز خود حضرت چگونه است؟ زیرا هیچ نمازی بدون «فاتحه‌الکتاب» پذیرفته نیست (بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۵۱) و حتی اگر یک آیه را ابوبکر از سوره حمد خوانده باشد، حضرت آن آیه را نخوانده، در نتیجه سوره حمد را کامل ادا نکرده‌اند، و در این صورت، این نماز باطل خواهد بود!

ظاهراً به دلیل پرسشهای فوق بوده که این شیوه نماز جماعت برای راویان حدیث نیز نادرست به نظر رسیده، لذا راویان حدیث وقتی این روایت را از اعمش شنیدند از او با تأکید پرسیدند «آیا پیامبر ﷺ نماز خواند و ابوبکر به نماز ایشان اقتدا کرد و مردم به نماز ابوبکر اقتدا کردند؟» اعمش نیز با اشاره سر، پاسخ بله به آنها داد (بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۳).

همه این ابهامات بیانگر این است که ماجرای نماز پیامبر ﷺ به صورت دقیق و کامل نقل نشده و برخی زوایای پنهان در این ماجرا وجود دارد که لازم است مورد بازخوانی قرار گیرد.

#### (د) عدم قصد تعیین خلیفه از اقامه نماز جماعت

اگر دستوری برای اقامه نماز وجود داشته باشد، این دستور به معنای قصد رسول خدا ﷺ برای تعیین خلیفه نیست؛ زیرا در برخی روایات نقل شده که حضرت بدون اشاره به شخص

معینی، دستور دادند که مردم نماز بخوانند:

«عبدالله بن زمعه بن اسود گفت: پیامبر ﷺ را در زمان بیماری وفات ایشان عیادت کردم، پس بلال آمد تا برای نماز اذان بگوید، پس پیامبر ﷺ به من فرمود: به مردم دستور بده نماز بخوانند» (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۹۵).

حتی در برخی دیگر از نقلها، این دستور خطاب به بلال حبشی بوده است و پیامبر ﷺ از او خواست تا اذان بگوید و با مردم نماز بخواند (ابن العدیم، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، [بی تا]، ج ۹، ص ۴۱۵۲).

وقتی پیامبر خدا ﷺ بدون اشاره به شخص معینی، دستور به اقامه نماز داده اند، این دستور بیانگر این است که حضرت هیچ قصدی از این نیابت در امامت نماز نداشته اند و چندان تفاوتی برای ایشان نداشته که چه کسی نماز را به جای آورد. به ویژه اینکه حضرت بارها افراد مختلفی را برای اقامه نماز و دیگر مأموریتها، انتخاب کرده بودند و قصد خلافت و جانشینی را از آن نداشته اند.

## ۵. بایسته های پذیرش ماجرای نماز ابوبکر

غیر از نقدهای درونی و بیرونی که در جریان نماز ابوبکر ارائه شد، برخی لوازم و بایسته ها نیز در پرتو این ماجرا وجود دارد که لازم است اهل سنت در صورت پذیرش این ماجرا، به آنها نیز پایبند باشند. در ادامه به برخی از این لوازم اشاره می شود:

### الف) مخالفت ابوبکر با دستور پیامبر ﷺ درباره جیش اسامه

اثبات نماز ابوبکر در زمان بیماری رسول الله ﷺ، نه تنها هیچ فضیلتی برای ابوبکر ثابت نمی کند، بلکه بیانگر یکی از مخالفت های او با دستور صریح رسول الله ﷺ درباره تجهیز سپاه اسامه است. جیش اسامه، نام آخرین سپاه فراهم شده به دستور پیامبر ﷺ برای دفاع در برابر حملات امپراطوری روم بوده است. ماجرای جیش اسامه و تخلف برخی صحابه از حضور در آن، از مواردی است که همه اهل سنت آن را قبول دارند و آن را از مواردی می دانند که باعث بروز اختلاف در میان صحابه شد. برخی از متکلمان برجسته اهل سنت برای برشمردن مهمترین اختلافات درگرفته میان صحابه، دومین اختلاف تاثیرگذار در میان صحابه را ماجرای جیش اسامه می دانند (شهرستانی، الملل و النحل، [بی تا]، ج ۱، ص ۲۱).

ابوحامد مقدسی نیز به این اختلاف اشاره کرده و جز عده‌ای محدود، همگان را جزء سرپیچی کنندگان از دستور پیامبر ﷺ می‌داند (مقدسی، الرد علی الرافضة، [بی‌تا]، ص ۱۲۹). تخلف صحابه از این دستور پیامبر ﷺ، موجب استحقاق لعن برای آنان شد. لعن پیامبر ﷺ نسبت به کسانی که از این لشکر سرپیچی کردند، در منابع متعددی به ثبت رسیده و قابل انکار نیست. قاضی عضدالدین ایجی این سخن پیامبر ﷺ را ذکر کرده است: «لشکر اسامه را آماده کنید، خداوند لعنت کند هرکسی از آن سرپیچی می‌کند» (ایجی، المواقف، ۱۹۹۷م، ج ۳، ص ۶۵۰).

با توجه به مطالب بیان شده، این اشکال به وجود می‌آید که پذیرش نماز ابوبکر، به معنای حضور او در مدینه و در گام بعد، دلالت بر تخلف او از دستور صریح رسول الله ﷺ دربارهٔ جیش اسامه دارد؛ زیرا نیابت ادعا شده در نماز جماعت، در واپسین روزهای حیات رسول خدا ﷺ واقع شده درحالی که ابوبکر باید در آن روزها در جیش اسامه به سر می‌برده و امکان حضور او در مدینه وجود نداشته است. ابن حجر عسقلانی بزرگان مهاجران و انصار از جمله ابوبکر و عمر را در زمره دعوت شدگان به حضور در سپاه اسامه نام برده است (ابن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ۱۳۷۹ق، ج ۸، ص ۱۵۲).

با توجه به تأکیدهای فراوان پیامبر ﷺ برای اعزام جیش اسامه و لعنت کردن متخلفان از این دستور، حضور ابوبکر در نماز مسجد پیامبر ﷺ، به معنای تخلف او از دستور رسول خدا ﷺ بوده است. آیا فضیلت برگزاری یک نماز جماعت بر طرد شدن از رحمت الهی ترجیح دارد؟

افزون بر اینکه دستور به نماز خواندن ابوبکر، مستلزم زیر سؤال بردن عصمت پیامبر ﷺ و غیرحکیمانه دانستن سخنان حضرت است؛ زیرا اگر آن گونه که مستدلین به روایات نماز ابوبکر ادعا می‌کنند، واقعاً رسول خدا ﷺ هرگونه اشاره‌ای در تأیید ابوبکر برای صلاحیت و شایستگی او برای خلافت و جانشینی پس از خود می‌داشتند، چرا آن حضرت در آخرین روزهای عمر شریف خود و با علم به این مطلب که چند روزی بیش در این دنیا نخواهند بود، سپاهی را به فرماندهی اسامه بن زید، تدارک دیدند و عده‌ای از صحابه از جمله ابوبکر و عمر را مأمور به متابعت از او نمودند، به گونه‌ای که آن حضرت در بستر بیماری، چشم باز



کردند، از عَلتِ تَخَلُّفِ این گروه سؤال نمودند، تا جائی که کار به لعن و نفرین تَخَلُّف‌کنندگان از جیش و سپاه اسامه انجامید؟ درحالی‌که اگر واقعا آن حضرت چنین قصدی برای خلافت ابوبکر می‌داشتند نباید آنها را در چنین لحظات حساسی مأمور به چنین امر خطیری (که احتمال کشته شدن در آن منتفی نیست) نمایند؟

نکته دیگری که از ماجرای جیش اسامه فهمیده می‌شود اینکه اگر اشکال شود که می‌توان نیابت ابوبکر را با نیابت سایر صحابه یکسان دانست؛ زیرا نیابت ابوبکر، در آخرین روزهای حیات رسول الله ﷺ بوده و این دلالت دارد بر اینکه حضرت در صدد اشاره به نکته ویژه‌ای بوده‌اند و آن همان شایستگی خلافت است!

در پاسخ می‌گوییم نیابت ابوبکر - بر فرض وقوع آن - مهم‌تر از نیابت اسامه از پیامبر ﷺ در رهبری لشکر مسلمانان نیست؛ زیرا آن هم در آخرین روزهای حیات رسول خدا ﷺ واقع شده با این تفاوت که فرماندهی یک لشکر، دلالت بیشتری بر شایستگی جانشینی دارد. اما با این وجود کسی قائل نشده که اسامه باید جانشین رسول الله ﷺ می‌شد.

#### ب) اثبات عدم صلاحیت ابوبکر برای خلافت

در صورت پذیرش روایت نماز ابوبکر، نه تنها بر شایستگی خلافت ابوبکر دلالت ندارد، بلکه عدم شایستگی او برای این مسند را نشان می‌دهد؛ زیرا طبق اعتراف عایشه، ابوبکر به جهت دل‌نازکی و عدم توانایی کنترل گریه خود، صلاحیت امامت نماز جماعت را نداشته و به همین جهت عایشه تا سه مرتبه تقاضا کرد که شخص دیگری نماز جماعت را به جای آورد (نیشابوری، صحیح مسلم، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۱۳). افزون بر اینکه خود ابوبکر نیز، عمر را شایسته‌تر به این نیابت می‌دانسته است و وقتی از این دستور پیامبر ﷺ آگاه شد، به عمر گفت که او نماز را به جای آورد (ابن‌ابی‌شبهه، المصنّف فی الأحادیث و الآثار، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۱۸).

کسی که در خود شایستگی امامت نماز جماعت را نمی‌بیند، آیا می‌تواند امامت جامعه را در دست گیرد؟ غیر از اینکه کسی با این خصوصیت، در موضوع شجاعت در مرتبه ضعف قرار دارد. این در حالی است که یکی از شروط خلافت، شجاعت است (ماوردی، الأحکام السلطانیة، [بی‌تا]، ص ۲۰) و معمولا شجاعت با دل‌نازکی همخوانی ندارد؛ زیرا

شجاعت را به «استواری دل در هنگام بروز حوادث اگرچه از جهت قوت بدن، ضعیف باشد» (ابن قیم الجوزیه، الفروسیه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۰۰) و «اقدام به انجام سختی‌ها و مهلکه‌ها در زمان نیاز و ثبات قلب در امور هولناک» (جاحظ، تهذیب الاخلاق، ۱۴۱۰ق، ص ۲۷) معنا کرده‌اند. کسی که نمی‌تواند در برابر احساسات و حوادث پیرامونی بر خود مسلط باشد، به او شجاع گفته نمی‌شود. در نتیجه این حدیث یکی از شروط خلافت را از ابوبکر نفی می‌کند.

### ج) اثبات عدم صلاحیت عمر برای خلافت

در صورت پذیرش این روایت، صلاحیت عمر بن خطاب نیز مخدوش می‌شود؛ زیرا در بخشی از روایت آمده که عایشه از پیامبر ﷺ می‌خواهد که عمر بن خطاب را به جای ابوبکر به اقامه نماز مأموریت دهند، اما پیامبر ﷺ این پیشنهاد را قبول نکرده و حتی وقتی عایشه به حفصه می‌گوید که به پدرش دستور دهد نماز جماعت را به جای آورد، رسول خدا ﷺ با شنیدن این سخن، ناراحت شده و آنان را به زنان همراه یوسف پیامبر ﷺ که به دنبال امیال نفسانی خود بودند، تشبیه کردند:

«عایشه گفت: به حفصه گفتم: به پیامبر بگو ابوبکر اگر در جایگاه شما بایستد مردم صدای او را به دلیل گریه نمی‌شنوند، پس به عمر دستور بدهد تا برای مردم نماز بخواند، پس حفصه این کار را کرد و رسول الله ﷺ فرمود: شما همانند زنان مصر- در زمان یوسف هستید» (ترمذی، سنن ترمذی، ۱۹۹۸ق، ج ۶، ص ۵۴).

شاهد دیگر بر این ادعا آن است که در برخی نقلها آمده که عمر به جای ابوبکر، به اقامه نماز پرداخت و وقتی رسول الله ﷺ صدای عمر را شنید، فرمود: «خداوند و مومنون از آن إبا دارند، به ابوبکر دستور بدهید برای مردم نماز بخواند» (شیبانی، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۴۰، ص ۶۸).

اگر عمر بن خطاب امامت نماز جماعت را داشته است، چرا رسول خدا ﷺ نپذیرفتند که او نماز را به جای آورد؟ چرا با وجود اصرار عایشه مبنی بر ناتوانی ابوبکر در نماز و جایگزینی عمر با او، اما پیامبر ﷺ این پیشنهاد را نپذیرفته و شایستگی عمر برای امامت را تأیید نکردند؟ چرا وقتی رسول الله ﷺ شنیدند که عمر در حال خواندن نماز است،

اجازه ندادند این نماز اقامه شود؟!

از سوی دیگر می‌توان گفت همانگونه که برخی امامت نماز جماعت را، دلیل بر شایستگی امامت جامعه دانسته‌اند، در نقطه مقابل، عدم صلاحیت برای امامت نماز جماعت، به طریق اولی بر عدم صلاحیت برای امامت جامعه دلالت دارد؛ زیرا همه شروط مورد نیاز برای امامت نماز جماعت، غیر از قدرت بر قرائت، برای امامت جامعه نیز لازم است، در نتیجه کسی که شایستگی امامت نماز جماعت را ندارد، هرگز نمی‌تواند امامت جامعه را به دست بگیرد؛ با این وجود چرا عمر بن خطاب امامت جامعه را به دست گرفت؟!

### نتیجه

از مهمترین دلائل اهل سنت بر مشروعیت خلافت ابوبکر، نماز ابوبکر در زمان بیماری پیامبر ﷺ است. مهمترین کارکرد این ماجرا، اثبات شایستگی ابوبکر برای نیابت از پیامبر ﷺ در امامت جامعه است. با بررسی‌های انجام گرفته به این نتیجه رسیدیم که اولاً: طبق اعتراف بزرگان اهل سنت، هیچ نصی از پیامبر ﷺ بر خلافت ابوبکر وجود ندارد بنابراین نمی‌توان این ماجرا را نصی بر خلافت ابوبکر دانست.

ثانیاً: با فرض اثبات ماجرای نیابت ابوبکر از رسول الله ﷺ در نماز، این نیابت ناتوان از اثبات شایستگی ابوبکر برای نیابت در امامت جامعه است؛ زیرا افراد زیادی بوده‌اند که به نیابت از پیامبر ﷺ، اموری که حتی به مراتب دشوارتر و حساس‌تر از امامت نماز جماعت است را انجام داده‌اند. درحالی‌که کسی شایستگی خلافت را برای آنان قائل نیست.

ثالثاً: ماجرای نماز ابوبکر دارای ابهامات فراوانی است از قبیل اینکه چرا عایشه برای انجام دستور پیامبر ﷺ، تعلل و سرپیچی داشت؟ چرا رسول الله ﷺ پس از آگاهی از اقامه نماز توسط ابوبکر، با وجود ضعف و ناتوانی بسیار، خودشان را با کمک دو نفر به مسجد رساندند و بدون اقتداء به ابوبکر، نماز را اقامه کردند؟ این نماز خوانده شده توسط پیامبر ﷺ، از جهت شرعی چه حکمی دارد؟ آیا امام جماعت می‌تواند در میانه نماز، از امام جماعت به مأموم تبدیل شود؟ کاستی‌های نمازی که حضرت در ادامه نماز ابوبکر به جای آوردند، چگونه جبران می‌شود و آیا نماز بدون فاتحة الكتاب، پذیرفته است؟ این ابهامات و دیگر سؤالاتی که پیرامون این نماز وجود دارد، خبر از حقیقتی در این ماجرا می‌دهد که در

روایات منعکس نشده است.

رابعاً: حتی با فرض تعیین ابوبکر برای نماز جماعت، اما این دستور ایشان به معنای قصد حضرت برای تعیین جانشین برای اداره جامعه نیست؛ چه اینکه در این صورت دستور پیامبر ﷺ به حضور ابوبکر در لشکر اسامه، نقض غرض بوده و با رفتار حکیمانه رسول الله ﷺ تعارض دارد.

خامساً: پذیرش این ماجرا، به معنای پذیرش تخلف ابوبکر از دستور رسول خدا ﷺ برای حضور بزرگان صحابه در لشکر اسامه است که پیامبر ﷺ سرباززندگان از این دستور را به صورت صریح لعن کردند! آیا فضیلت به جای آوردن نماز در مسجدالنبی ﷺ بیشتر است و یا مشمول لعن خاتم نبیین ﷺ شدن؟

سادساً: از محتوای ماجرای نماز ابوبکر، فهمیده می‌شود که ابوبکر شایستگی خود برای امامت نماز جماعت را قبول نداشته و به دنبال جایگزین کردن فردی دیگر به جای خود است. کسی که صلاحیت اقامه نماز جماعت را در خود نمی‌بیند، آیا برای زمامداری جامعه شایسته است؟

سابعاً: از میان نقلیهایی که برای این ماجرا بیان شده، فهمیده می‌شود علاوه بر ابوبکر، عمر بن خطاب نیز صلاحیت امامت جامعه را ندارد زیرا وقتی رسول خدا ﷺ از اقامه نماز توسط عمر آگاه شدند، دستور دادند که شخص دیگری این نماز را اقامه کند. همه شرائطی که برای امامت نماز جماعت لازم است در امامت جامعه نیز لازم است، در نتیجه کسی که صلاحیت امامت جماعت را ندارد، به طریق اولی صلاحیت امامت جامعه را نیز ندارد.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

کتاب مقدس.

۱. ابن أبی شیبہ، عبد اللہ، المصنّف فی الأحادیث و الآثار، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ریاض، مكتبة الرشد، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن الأثیر جزری، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۱۷ق.
۳. ابن الجوزی، عبد الرحمن، آفة اصحاب الحديث، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۴. ابن العدیم، عمر بن احمد، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، قم: دار الفکر، [بی تا].
۵. ابن تیمیہ حرانی، احمد بن عبد الحلیم، منهاج السنة النبویة، ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن حبان، محمد، الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۸ق.
۷. ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دار المعرفة، ۱۳۷۹ق.
۸. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، القاهرة: مكتبة الخانجي، [بی تا].
۹. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، القاهرة: مكتبة الخانجي، ۱۴۲۱ق.
۱۰. ابن قاضی شهبه، ابوبکر بن احمد، طبقات الشافعية، بیروت: عالم الكتب، ۱۴۰۷ق.
۱۱. ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر، الفروسیه، المحقق: مشهور بن حسن بن محمود بن سلمان، السعودیه: دار الأندلس، ۱۴۱۴ق.
۱۲. ابن کثیر دمشقی، إسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۱۳. ابن ماجه قزوینی، محمد، سنن ابن ماجه، قم: دار إحياء الكتب العربیة، [بی تا].



۱۴. ابوداود سجستانی، سلیمان، سنن أبي داود، بيروت: المكتبة العصرية، [بی تا].
۱۵. ابومعاش، سعيد، الفصول المهمة في صلاة ابي بكر في مرض رسول الله ﷺ، چاپ دوم، قم: دارالهدی، ۱۴۲۵ق.
۱۶. ابویعلیٰ حنبلی، محمد بن حسین، المعتمد في اصول الدين، بيروت: دارالمشرق، ۱۹۷۴م.
۱۷. اصفهانی، شمس الدين، مطالع الأنظار شرح طوابع الأنوار، مصر: دارالکتبی، [بی تا].
۱۸. ایجی، عضدالدين، المواقف، بيروت: دار الجيل، ۱۹۹۷م.
۱۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح البخاری، بيروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۲۰. بدرالدين عینی، محمود بن احمد، عمدة القاری شرح صحيح البخاری، بيروت، دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۲۱. ترمذی، محمد، سنن الترمذی، بيروت: دارالغرب الإسلامي، ۱۹۹۸م.
۲۲. تفتازانی، سعدالدين، شرح المقاصد، قم: الشريف الرضي، ۱۴۰۹ق.
۲۳. جاحظ، عمرو بن بحر، تهذيب الاخلاق، طنطا: دارالصحابه للتراث، الاولى، ۱۴۱۰ق.
۲۴. جرجانی، میر سید شریف، شرح المواقف، قم: الشريف الرضي، ۱۳۲۵ق.
۲۵. دمیجی، عبدالله بن عمر، الإمامة العظمی عند أهل السنة و الجماعة، [بی جا]: [بی نا]، ۱۴۰۷ق.
۲۶. شریف مرتضیٰ، علی بن حسین، الشافی فی الإمامة، عراق: مؤسسة الصادق، ۱۴۲۶ق.
۲۷. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، قاهره: مؤسسة الحلبي، [بی تا].
۲۸. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوك، چاپ دوم، بيروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، تلخیص الشافی، قم: محبین، ۱۳۸۲.
۳۱. العصفري، خليفة بن خياط، تاريخ خليفة بن خياط، الثانية، دمشق: دار القلم، ۱۳۹۷ق.
۳۲. الفيروز آبادی، محمد بن یعقوب، الرد على الرافضة او القضاة المشتهر على رقاب ابن المطهر، مصر: مكتبة الإمام البخاری، ۱۴۲۸ق.

۳۳. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ریاض: دار عالم الكتب، ۱۴۳۳ق.
۳۴. الماوردی، علی بن محمد، الأحكام السلطانية، القاهرة: دار الحديث، [بی تا].
۳۵. مفید، محمد بن محمد، الإفصاح فی امامة امیرالمؤمنین علیه السلام، قم: بعثت، [بی تا].
۳۶. مقدسی، محمد بن خلیل، الرد علی الرافضة، بیروت: دار الجیل، [بی تا].
۳۷. میلانی، علی، چگونگی نماز ابوبکر به جای رسول خدا صلی الله علیه و آله، قم: حقائق اسلامی، ۱۳۸۹.
۳۸. النووی، یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۲ق.
۳۹. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].